
آنچه دربارهٔ موفقیت می‌دانم

نامه‌هایی از زنان شکست‌انگیز به خودِ جوان‌ترشان

نویسنده: الن اسپراگنز

مترجم: مینا اعظامی

آنچه درباره موفقیت می‌دانم

نویسنده : الن اسپراگنز
 مترجم : مینا اعظامی
 طراح جلد و صفحه آرا : سمیرا سبحانی
 مدیر تولید : علی زارعی
 چاپ و صحافی : چاپ‌دونه
 ناشر : کتابسرای میردشتی
 نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰
 شمارگان : ۲۰۰
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۵۴-۴

فهرست کتابخانه ملی :

عنوان و نام پدیدآور : آنچه درباره موفقیت می‌دانم : نامه‌هایی از زنان شگفت‌انگیز به خود جوان‌ترشان / نویسنده [اصحیح] ویراستار[الن اسپراگنز : مترجم مینا اعظامی.
 مشخصات نشر : تهران : کتابسرای میردشتی، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۷۹ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۰۰-۵۴-۴
 وضعیت فهرست نویسی : قیفا
 یادداشت : عنوان اصلی : What I know now about success: letters from extraordinary women to their younger selves 2019.
 عنوان دیگر : نامه‌هایی از زنان شگفت‌انگیز به خود جوان‌ترشان.
 موضوع : زنان - روان‌شناسی - بحال گونه‌گون -- Miscellaneous -- Psychology -- Women
 موضوع : زنان - راه و رسم زندگی -- زنان -- Correspondence -- Women
 موضوع : زنان - روان‌شناسی -- Women -- Psychology
 موضوع : زنان در زندگی اجتماعی - نامه‌ها -- Women in public life -- Correspondence
 موضوع : مشاهیر - سرگذشت‌نامه -- Celebrities -- Biography
 موضوع : مشاهیر - نامه‌ها -- Celebrities -- Correspondence
 موضوع : موفقیت -- Success
 شناسه افزوده : اسپراگینز، الین، ۱۹۴۷-م.، ویراستار Spragins, Elyn
 شناسه افزوده : اعظامی، مینا، ۱۳۳۵-، مترجم
 رده بندی کنگره : HQ۱۲۰۶
 رده بندی دیویی : ۶۴۶/۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۵۴۱۴۹۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : قیفا

نشر و پخش :

کتابسرای میردشتی
 تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، بعد از تقاطع لباقی‌نژاد، نبش
 کوچه ماستری فراهانی، پلاک ۱۱، طبقه ۱، واحد ۱
 تلفن : ۰۲۰-۵۶۶۰۹۴۶۶-۱۲۰
 دورنگار : ۰۲۰-۸۶۹۱۹۴۶۶-۱۲۰
 www.mirdashti.com
 Mirdashti_book

آنچه درباره موفقیت می‌دانم



9 786227 600544

کتابسرای میردشتی ۸۴۰,۰۰۰ ریال

فهرست

مقدمه نویسنده.....	۹
مقدمه مترجم.....	۱۹
شارون الن، رئیس هیئت مدیره دیلویت.....	۲۳
کتی بلک، مدیر مسئول نشریات هرست.....	۲۷
نانسی برینکر سفیر، مؤسس بنیاد درمانی سوزان گ. کومن.....	۳۱
بابی براون، بنیانگذار لوازم آرایشی بابی براون.....	۳۵
جین چاتزکی، نویسنده و سردبیر مالی برنامه تلویزیونی تودی.....	۳۹
باربارا گُرگران، املاک‌دار و کارشناس برنامه شارک تنک.....	۴۳
پاملا کریگ، مدیر ارشد مالی اکسپنجر.....	۴۹
پائولا دین، نویسنده کتاب آشپزی و ستاره شبکه غذایی.....	۵۳
نانس دیچیانی، رئیس سابق و مدیر عامل شرکت مواد ویژه، مرکز هانی‌ول.....	۵۷
یو - سای کن، کارآفرین و شخصیت تلویزیونی چینی امریکایی.....	۶۳
کیتی کلدینگ، رئیس هاوس پارتی.....	۶۷
امیلی کواک، قهرمان دنیا در جوجیتسو برزیل.....	۷۳
لیز لین، مبتکر لباس بارداری لیز لین.....	۷۷
امیلی مان، نمایشنامه‌نویس و مدیر هنری تئاتر مک‌کارتنر.....	۸۱
تریش مک‌اوی، آرایشگر و بنیانگذار تریش مک‌اوی.....	۸۷
سُلداد اُ برابین، مجری برنامه اخبار سی‌ان‌ان و خبرنگار ویژه.....	۹۳

سوز اُمن، نویسنده در حوزهٔ امور مالی شخصی، ستون‌نویس و

- ستارهٔ شبکهٔ پی‌بی‌اس ۹۷
- وی‌دِد، کارآفرین موهای فرفری و بنیانگذار وی‌دِد ۱۰۳
- ماری لو کوئینلن، نویسنده و مدیر عامل جاست اُسک اُمن ۱۰۷
- مل رابنز، مجری برنامهٔ رادیویی منفی مل رابنز ۱۱۳
- سیلوی روشت، مؤسس و مدیر عامل ویکتورین اپیکور ۱۱۷
- سِنْتیا رولی، طراح لباس ۱۲۱
- سوزان سامرس، بازیگر و کارآفرین ۱۲۵
- کیت اسپید، طراح و مؤسس کیت اسپید ۱۲۹
- لیزا استون، از بنیانگذاران بلاگ‌هر ۱۳۵
- هانا استورم، از مجریان برنامهٔ مرکز ورزش ئی‌اس‌پی‌ان ۱۳۹
- سی. وِوین استرینگر، مربی بسکتبال بان در دانشگاه راتگرز ۱۴۳
- تَرْدی سال‌ون، مدیر عامل و رئیس تالبوت ۱۴۹
- لیندا گِپلن تالر، نویسنده و بنیانگذار جمعیت گِپلن تالر ۱۵۳
- دیان وان فرستنبرگ، طراح لباس و بنیانگذار دی‌وی‌اف ۱۵۷
- باربارا والترز، تهیه‌کننده و مجری مشترک برنامهٔ صبحگاهی ویو ۱۶۳
- سوزی ولش، نویسنده و ستون‌نویس ۱۶۵
- کریستین تود ویتمن، فرماندار پیشین نیوجرسی و رئیس سازمان
حفاظت از محیط زیست ۱۷۱
- کلام آخر ۱۷۷
- دربارهٔ نویسنده ۱۷۹

مقدمه نویسنده

بسیار خوب. من درباره موفقیت چه می‌دانم؟

اگر آن قدر جسارت داشته باشید که از شمار زیادی زنان شگفت‌انگیز، زیرک، و بی‌تردید موفق پرسید که درباره موفقیت چه می‌دانند، پاسخ‌هایی بی‌نظیر برای انتقال به دیگران به دست می‌آورید - درست است؟ خُب، من این کار را می‌کنم. با بررسی نامه‌های این زنان به خود جوان‌ترشان، توانستم پنج قانون موفقیت را استنتاج کنم:

خودخواه باشید.

بد باشید.

خوانش‌پریش باشید.

درونتان را بکاوید.

مردان صورتی‌پوش نباشید.

اجازه بدهید توضیح دهم. نمی‌خواهم بگویم پیشگامان، راهگشایان حقوقی و کارگزاران کتاب آنچه درباره موفقیت می‌دانم، بد هستند یا خودخواهند. همین‌طور منظورم این نیست که نامه‌های آنان به خود جوان‌ترشان، توصیه

بر خودخواه یا خوانش‌پریش بودن دارند - یا خطاری است در برابر رنگ صورتی. همین‌طور این‌ها قوانینی نیستند که من مسئولیتی در قبال‌شان بپذیرم. بلکه تعبیری است اجمالی از همهٔ آنچه که از توضیحات این زنان برای رسیدن به موفقیت به‌دست آوردم، در برابر آنچه در سر راه‌شان قرار گرفت، و همین‌طور چیره شدن بر موانع هولناک. تعبیری است که از اشتیاق این زنان برای کنار زدن پردهٔ سفرهای فراکرانه‌ای مهم و بحرانی‌شان به‌سوی دست یافتن حکایت می‌کند. من به‌صراحت معتقدم این قوانین - که تنها ویژهٔ زنان/ست - بیش از این روش‌های تثبیت‌شدهٔ توفیق یافتن برای زنان مفید است، که می‌گوید:

اهدافتان را شفاف مشخص کنید. ثابت قدم بمانید. مری پیدا کنید.

چرا؟ زیرا موفقیت زنان بسیار متفاوت از موفقیت مردان است. منظور این نیست که سفرها، دستاوردها، و احساسات آن‌ها نسبت به پیروزی‌ها با یکدیگر هماهنگ نمی‌شوند. چرا می‌شوند، اما نقاط اتصال‌شان متفاوت است. برای پذیرش این بی‌شبهاتی نوعی مقاومت وجود دارد - گویی از اینکه با مردان فرق داشته باشیم، قابل قبول نیستیم. انگار این رازی است که ما هستیم. من با زنان زیادی کار کرده‌ام که در مشارکت‌های حرفه‌ای به‌سر می‌برند، رئیس، نایب رئیس، مدیر مالی، مدیر ارشد سازمان‌هایی مانند گل‌دمن ساچس، بانک ری‌زرو فدرال نیویورک، مایکروسافت، جننتک، و جانسن اند جانسن هستند. ارائهٔ همایش‌های «نامه‌هایی به خود جوان‌تر» با این گروه پالوده، نوعی الهام بود. در اینجا زنانی بودند با توانمندی بسیار در دنیای تجارت، و بزرگ‌ترین دغدغه‌های‌شان در حول و حوش این بود که یاد بگیرند به‌دنبال خواسته‌های خود باشند، و شکست‌شان را شخصی تلقی نکنند، و همین‌طور خود را مقصر

نهایی ندانند، و تصور نکنند حق فرزندان و همسرانشان را می‌ربایند. می‌دانم غیرعادی به نظر می‌رسند، اما باز هم مجبورم با مردی در مقام مدیر ارشد حرف بزنم که دغدغه هر روزش این است که اگر خودش در خانه، نزد پسر و دخترش می‌ماند آن‌ها بهتر از آب درمی‌آمدند. هیچ تصور نمی‌کنم به مردی برخورد کنم که برای درخواست تفریح یا اضافه حقوق مشکل داشته باشد. مردان موانعی متفاوت دارند.

پیش از اینکه پنج قانون موفقیت برای زنان را توضیح دهم، می‌خواهم تصدیق کنم که من دیگر موارد مهم، اما آشکار و ظریف را نادیده می‌گیرم. کاملاً اطمینان دارم که شما پیشاپیش می‌دانید که موفقیت به سخت‌کوشی نیاز دارد و بسیار دشوار است به دنبال کار مورد علاقه‌تان بروید. همچنین بر این باور نیستم که توصیف افراد از موفقیت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. درحقیقت، طی سال گذشته، توصیف فردی خود من از «به کار گرفتن علاقه و استعدادم»، به «دارا بودن فرزندی سلامت و سربه‌راه» و به «آگاهی از آنچه به زندگی‌ام معنا و مفهوم می‌بخشد» تغییر کرده است. ما تغییر می‌کنیم. محیط‌مان تغییر می‌کند. بنابراین، دورنمای ما نیز از آنچه به واقع تشکیل‌دهنده موفقیت است، تعدیل می‌شود.

ممکن است این پنج قانون به شما کمک نکند که هریک از این اهداف پیوسته تبدیل‌شونده را ببینید. اما معتقدم به بیشتر زنان بلندپرواز - زنانی با روحیه تلاشگرانه وافر و اهداف بسیار چشمگیر - یاری خواهد رساند.

خودخواه باشید. درست است. به احتمال زیاد، برای نخستین بار در زندگی‌تان، کسی به شما دستور می‌دهد که خودخواه باشید. طنز این گفته چنین است: حدس می‌زنم شما نمی‌دانید چگونه این‌گونه باشید. آیا شما مسئول شادمانی

همه دیگر افراد هستید؟ یعنی، آیا احساس می کنید مسئول هستید پیش از خشنود کردن خود، فرزندان، همسر، پدر و مادر، رئیس، و همکاران را خوشحال کنید؟ برخی زنان چنان بی خبر از خواسته های عمیق شان هستند که درواقع نمی توانند بفهمند چگونه باید جمله «من ... می خواهم» را کامل کنند. سال ها به تعویق انداختن، خودانکاری، و دستپاچگی های دیوانه وار برای اینکه همه چیز بر پاشنه بچرخد، موجب شده است که دردی جانکاه و بی محتوا در کانون زندگی شان جاگیر شود. زنان دیگر مانند ماری لو کوئینلن، مدیر ارشد فقط از یک زن بپرس، که حالت وسواسی اش برای اینکه همه آدم های بنگاه تبلیغاتی منهن را خشنود کند، موجب شد که وقتی ریاست شرکتی بنام را به او پیشنهاد کردند، احساس سرور نکند. این گونه که در نامه اش به خود جوان تر می نویسد: چگونه می توانم اجازه دهم دیگران بگویند که باشم؟ آنان بسیار آزرده خواهند شد. اگر من نباشم، چه کسی از ایشان مراقبت خواهد کرد؟ چرا باید این قدر خودخواه باشم که چنین چیزی بخواهم؟»

آشکار است که قصد جانبداری از همه خویش خواهان را ندارم. قانون این است که به اندازه ای خودخواه باشید که بر سر میز، جایی برای خواسته های تان در نظر بگیرید و با احترام بی شائبه با آن ها رفتار کنید. شاید به نظر حماقت آمیز برسد، اما به تمرین نیاز دارد. این آگاهی های کوچک از آنچه که می توانستید انجام دهید و آنچه که می توانستید بشوید، باید آگاهانه مورد توجه قرار گیرد و پرورانده شود و نمو یابد. با درک این موضوع، کتی بلک، مدیر مسئول نشریات هرست، در شصت و شش سالگی به این فکر افتاد که مهم ترین پرسشی که می توانست با خود جوان ترش مطرح کند این بود: «می توانی چارچوبی با چه عمق به دور آینده ات تعبیه کنی؟»